

عبدالرضا همدانی*

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در عربستان سعودی و موانع موجود در این زمینه نوشته شده است. اگرچه در سالهای اخیر، به ویژه پس از پادشاهی ملک عبدالله، اقدامات مهمی از سوی حکومت در جهت باز شدن فضای سیاسی و پاسخگویی به مطالبات سیاسی و اقتصادی طبقه متوسط صورت گرفته است، هنوز مشکلاتی جدی در این باره وجود دارد؛ از جمله، فعالیتهای گروههای افراطی وهابی و ارتباط نزدیک برخی از اعضای خاندان حاکم با علمای محافظه کار این کشور. حال، مشکل اینجاست که فشار نیروهای محافظه کار و موانع تراشی بر سر راه اصلاح نظام سیاسی در عربستان، ممکن است موجب رادیکالیزه شدن مطالبات جامعه و گرایش به سمت خشونت شود.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، دموکراتیزاسیون، فرهنگ عشیره‌ای، آل سعود، القاعدة

افراط گرایی

* پژوهشگر مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره‌های ۴ و ۱، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، صص ۶۷-۸۸

اگرچه امروزه توجه به مشارکت و حضور مردم یک جامعه در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی اهمیت بسیاری یافته است، چگونگی این مشارکت در جوامع و سرزمینهای مختلف به دلیل تفاوت‌های تاریخی هر جامعه با جامعه‌ای دیگر یکسان نیست؛ چه بسا کشورهایی که به ظاهر از روش‌هایی دموکراتیک برای حکمرانی استفاده می‌کنند، ولی در عمل کمتر به حقوق شهروندان توجه می‌شود و نظام سیاسی حاکم تلاش می‌کند تا مشارکت سیاسی مردم را تنها در جهت تأیید تصمیم و رأی حاکمان سوق دهد و سپس این نوع مشارکت را دلیلی بر دموکرات بودن نظام معرفی نماید. این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که نحوه ارتباط میان مجموعه عواملی که در شکل‌گیری حیات اجتماعی یک جامعه سهیم هستند، در افزایش و یا کاهش قابلیت مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری مردم آن جامعه موثر است. به عبارت دیگر، اراده و خواست یک ملت برای مشارکت در تصمیم‌گیریهای سیاسی و مداخله در سرنوشت خویش، از ارزشها و آداب و رسوم آن جامعه جدا نیست و بنابراین ساز و کار و چرخه اجتماعی یک جامعه در استقرار نظامی دموکراتیک تأثیر غیرقابل انکاری دارد. این مقاله تلاش دارد تا با شناسایی عوامل مؤثر در چرخه اجتماعی و حیات سیاسی عربستان سعودی، وضعیت مشارکت سیاسی و مهم‌ترین تحولات اخیر در این کشور را که در جهت افزایش سهم شهروندان سعودی در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی به وقوع پیوسته است، مورد بررسی قرار دهد.

ساختارهای اصلی جامعه عربستان سعودی

بی‌تردید ساختار قبیله‌ای و عشیره‌ای در شبه جزیره عربستان بر رابطه میان مردم و حاکمان تأثیر گذار بوده است. در طول تاریخ، اغلب حکومت‌هایی که در شبه جزیره عربستان بر سر کار آمده‌اند، ارتباط حاکم با مردم را همچون رابطه ارباب و رعیت تعریف کرده و برای استمرار قدرت و حفظ خویش کمترین حق را برای شهروندان و یا به تعبیر خود «رعیت» در نظر گرفته‌اند. ویژگی‌های این گونه نظام‌های سیاسی - قبیله‌ای را می‌توان به این ترتیب برشمرد:

۱. ذهنیت فرمانبرداری مردم و توجه اندک به حقوق سیاسی؛ ۲. گوناگونی هویتها و فرهنگهای قبیله ای؛ و ۳. تمرکز نظام تصمیم گیری سیاسی در یک یا چند قبیله.

۱. ذهنیت فرمانبرداری مردم و توجه اندک به حقوق سیاسی

در یک ساختار قبیله ای، معمولاً این باور وجود دارد که قدرت سیاسی برای همه قابل دستیابی نیست و مخصوص گروهی از افراد است که با دیگر طبقات جامعه تفاوت دارند و از آنجا که بیشتر وقتها، این گروه خاص دارای هویت موروثی هستند، همواره قدرت سیاسی را همراه با خود دارند. در نتیجه، کسب قدرت سیاسی برای دیگران امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، در این نوع جوامع تلاش افراد عادی برای دستیابی به قدرت سیاسی کاری نیست که با تشویق و ترغیب دیگران همراه باشد و حتی در جامعه تبلیغ می شود که فعالیت سیاسی حرکتی است به سوی مادیات و زندگی دنیوی که حاصلی جز انحراف از راه راست و آخرت ندارد.^۱

۲. گوناگونی هویتها و فرهنگهای قبیله ای

عربستان سعودی کشور پهناوری است که طول آن از اردن تا یمن و عرض آن از خلیج فارس تا دریای سرخ امتداد می یابد، اما به دلیل شرایط جغرافیایی و بیابانی بودن این منطقه، تولیدات اقتصادی و محصولات کشاورزی در نقاط مختلف این سرزمین مشابه است. به همین دلیل، در طول تاریخ قبیله های ساکن در این نقطه جغرافیایی، کمتر با یکدیگر مناسباتی مبتنی بر منافع اقتصادی داشته اند. همچنین به خاطر مستقل بودن هر قبیله از قبیله ای دیگر، اعراب ساکن در این منطقه هر یک دارای هویت خاص و جداگانه ای از دیگر اعراب و ابسته به قبیله های مختلف بوده اند. این مسئله موجب شده است حتی در دوره معاصر و یک پارچه شدن سرزمین عربستان سعودی، هویت قبیله ای بسیار حایز اهمیت و حتی در پاره ای از موارد مهم تر از هویت ملی باشد، به طوری که هنوز هم برای حل و فصل برخی از بحرانها و معضلات در این کشور - و حتی برخی کشورهای هم جوار - به هویت قبیله ای

۳. تمرکز نظام تصمیم‌گیری سیاسی در یک یا چند قبیله

در تاریخ دو سده اخیر شبه جزیره عربستان، همواره رقابتی جدی میان قبایل نجد و حجاز وجود داشته است. در عصر امپراتوری عثمانی، این حکومت حجاز بود که از سوی خلفای عثمانی مشروعیت یافته و دارای صلاحیتها و اختیاراتی بود، اما در اواخر قرن نوزدهم و به طور مشخص از دهه‌های نخستین قرن بیستم، این تفوق و برتری از آن قبیله‌های نجدی شد. کار ویژه هر قبیله و طایفه‌ای که قدرت را به دست می‌گرفت، این بود که انحصار حاکمیت و فرمان‌روایی را در دست خود بگیرد و حاضر به مشارکت دیگران در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی نباشد. بدین ترتیب، قبیله حاکم ارزشها را تعیین می‌کند و در همه ارکان حکومت و قدرت افراد خود را، که از تبعیتشان اطمینان کامل دارد، به کار می‌گمارد و نگرش خود را از جامعه و جهان پیرامون ترویج و تبلیغ می‌کند.^۳

تأسیس پادشاهی عربستان سعودی در دومین سال از دهه چهارم سده گذشته میلادی نمونه کاملی از تمرکز نظام سیاسی در یک خاندان است. آل سعود با غلبه بر قبیله‌های مهم و بزرگ سرزمین عربستان از چنان قدرتی برخوردار شد که:

۱. نام این سرزمین را عربستان سعودی، یعنی منتسب به آل سعود، گذاشت؛ و
۲. مذهب وهابیت را که مورد قبول بود، به سراسر کشور تعمیم داد و ارزشها و نگرشهای آن مذهب را تبدیل به ارزشهای کل جامعه کرد.^۴

درآمدهای نفتی نیز سهم موثری در تحکیم پایه‌های قدرت خاندان حاکم و تضعیف دیگر قبایل داشت. این درآمدها بسیاری از بدوی‌ها و افراد قبایل را بی‌نیاز از اقتصاد و درآمدهای قبیله کرد و آنها با مهاجرت به شهرها تبدیل به حقوق‌بگیر دولت شدند.^۵ به این ترتیب، از وابستگی این شهرنشینان جدید به ایل و قبیله‌شان کم شد و از سوی دیگر، نیازمند حقوق و مواجب دولت جهت گذران زندگی شدند. اگرچه دولت عربستان با پرداخت حقوق و استخدام افراد زمینه‌های استمرار حاکمیت خویش را فراهم می‌کند و از طریق مهیا ساختن

شرایط رفاهی و مالی شهروندان تلاش می کند تا از حجم توقعات سیاسی بکاهد، اما با افزایش مشکلات اقتصادی و کاهش سطح رفاه جامعه عربستان سعودی، نه تنها مطالبات سیاسی شهروندان روبه فزونی نهاده است، بلکه تمایلات مردم به سمت قبیله و عشیره شان نیز بیش از پیش شده است.

نکته اصلی این است که در نظام سیاسی عربستان مفهوم مشارکت و باز بودن فضای تصمیم گیری سیاسی با مفهوم مورد پذیرش آن در سایر جوامع دموکراتیک فاصله دارد؛ زیرا این کشور نه دولت قابل تغییر و تبدیل است و نه مدت حکمرانی حاکم محدود به زمانی مشخصی است. کاندیدای اول ریاست بر هر دستگاه و سازمانی که توسط دولت ایجاد شود، فردی از خاندان حاکم است. اگر چنین فردی یافت نشد، در میان اهل نجد به دنبال جایگزینی خواهند رفت و اگر از نجدیها هم کسی واجد شرایط نبود، از قبایل و طوایف نزدیک به خاندان حاکم فردی برگزیده می شود. بنابراین، معیار گزینش افراد بیش از آنکه منوط به تخصص و قابلیت های فردی باشد، وابسته به نوع رابطه بین قبیله ها با یکدیگر است. اینکه اهالی نجد دومین کاندیدای ریاست بر سازمان های دولتی هستند، به دو دلیل بر می گردد: نخست آنکه، آل سعود برخاسته از خطه نجد است و بهترین و قوی ترین مناسبات داخلی را با قبایل نجدی دارد؛ و دوم آنکه، دیگر مناطق عربستان نظیر «حجاز» و «احسا» به زور شمشیر و براساس اصل «الحکم لمن غلب» مجبور به پیروی از آل سعود شدند. از این روست که هر زمان، اهالی این مناطق خواهان حضور در فرآیند تصمیم گیری سیاسی و مشارکت فعال در عرصه اجتماعی می شوند، سران آل سعود واکنش نشان می دهند و تفوق و چیرگی گذشته خویش را بر سایر قبایل و مناطق متذکر می شوند؛ برای مثال، امیر نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور عربستان، در جلسه ای که در ۲۳ مارس ۲۰۰۴ با تعدادی از اصلاح طلبان عربستانی داشت، تصریح کرد:

«پدران و نیاکان ما این حکومت را با شمشیر بنا نهادند و خون خود را برای حفظ دین ریختند. به

هیچ کس اجازه تضعیف و یا نابودی این سرزمین را نخواهیم داد و با شمشیر بر او فرود

خواهیم آمد.»^۶

عربستان سعودی که تا دو دهه پیش یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان به شمار می‌رفت، به تدریج با افزایش جمعیت، کاهش درآمدهای نفتی و پدید آمدن مشکل بیکاری با معضلات و مشکلات گوناگونی مواجه شده است. ضمن آنکه اغلب شهروندان این کشور که طی دو دهه گذشته توانسته‌اند از تحصیلات مناسبی برخوردار شوند و با سفر به خارج فرصت برقراری ارتباط با دیگر ملتها را یافته‌اند و به رفاه و سطح زندگی مطلوب عادت کرده‌اند، در مقابل هرگونه افت وضعیت معیشتی خویش از خود واکنش نشان می‌دهند و به طرح مسایلی همچون توزیع ناعادلانه ثروت، تغییر ناپذیری حاکمان و یا عدم فراهم بودن بستر لازم برای مشارکت سیاسی می‌پردازند، و به این ترتیب دولت را به چالش فرا می‌خوانند.^۷ البته معمولاً این اعتراضها و ابراز نارضایتیها با امتیازاتی که از سوی دولت به بعضی از قبیله‌ها داده می‌شود، فروکش می‌کند.^۸ تمایل نظام حاکم بر حفظ و تقویت مناسبات قبیله‌ای و کنترل شدید فرآیند مشارکت سیاسی تا قبل از حادثه یازدهم سپتامبر، به گونه‌ای بود که به جز چند انجمن خیریه و یا اتاق بازرگانی که اغلب هم با حضور افرادی از خاندان سعود تأسیس شده و تحت نظارت دقیق دولت قرار داشتند، هرگز نهادهای جامعه مدنی در عربستان سعودی شکل نگرفت.^۹ مناسبات دولت با بعضی از قبیله‌ها نیز عامل ایجاد حس تبعیض در میان شهروندان این سرزمین شده است؛ برای مثال، در سال ۱۹۹۴ حدود ۳۰ درصد از مدیران مدارس در منطقه شرق عربستان فقط از یک قبیله انتخاب شده بودند. همچنین در وزارت خانه‌های دفاع، کشور، خارجه، دادگستری و حج و اوقاف تنها هفتاد کارمند شیعه اشتغال داشتند، ضمن آنکه در بسیاری از دانشکده‌ها هیچ دانشجوی شیعه‌ای تحصیل نمی‌کند.^{۱۰}

تأثیر حوادث یازدهم سپتامبر بر فضای سیاسی عربستان سعودی

نظام حاکم بر عربستان سعودی نسبت به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و فشارهای خارجی بسیار حساس و اثرپذیر است؛ به عنوان نمونه، یکی از مهم‌ترین آثار حمله نظامی عراق به کویت و اشغال این کشور در سال ۱۹۹۰ بر عربستان سعودی، توجه پادشاه به بعضی از مطالبات داخلی و بالاخره تأسیس مجلس مشورتی در این کشور بود. اگرچه اعضای این

مجلس، منتخب پادشاه بودند و نه مردم، و پادشاه در رد یا قبول پیشنهادهای و نقطه نظرات این مجلس اختیار تام داشت، همین اقدام گامی به سوی بالاتر رفتن سطح مشارکت سیاسی در عربستان تعبیر شد.^{۱۱}

دولت عربستان سعودی تا قبل از حادثه یازدهم سپتامبر، ارتباط نزدیکی با گروههای سلفی داشت و با حمایت از این گروهها و خطبا و ائمه جماعات سلفی در مقابل گروههای اصلاح طلب و شیعیان ایستادگی می کرد.^{۱۲} با این حال، پس از یازدهم سپتامبر و افزایش فشارهای بین المللی بر آل سعود و اندیشه سلفی، دولت برای تداوم حاکمیت اقتدار خود به اصلاح طلبان نیز اجازه فعالیت بیشتری داد و حتی مبادرت به تشکیل کنفرانسهای «گفتگوی ملی» با مشارکت شیعیان، گروههای لیبرال و اصلاح طلب نمود.^{۱۳} دولت عربستان سعودی که تا قبل از حادثه یازدهم سپتامبر به دلیل ارتباط قوی تر با گروههای سلفی مواضعی سخت گیرانه علیه حقوق زنان و آزادیهای دینی به ویژه در مورد شیعیان اعمال می کرد، پس از افزایش فشارهای بین المللی، برای نخستین بار از زنان دعوت به عمل آورد تا در دومین کنفرانس گفتگوی ملی که در دسامبر ۲۰۰۳ در شهر مکه برگزار شد، مشارکت کنند و مسایل و مشکلات خویش را مطرح سازند.^{۱۴} در مقابل، برخورد دولت با برخی از سازمانها و یا مؤسسه های خیریه ای که توسط سلفی ها اداره می شد، شدیدتر شد. برای مثال، مؤسسه خیریه و دولتی «حرمین» که سالانه حدود ۵۰ میلیون دلار از شهروندان سعودی کمک مالی دریافت می کرد و شعبه هایی در خارج از عربستان ایجاد کرده بود، به دلیل فشارهای ایالات متحده و متهم نمودن این مؤسسه به کمک به سازمانهای تروریستی، در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۰۴ منحل شد تا اندکی از فشارهای آمریکا و بهانه جوییهای این کشور علیه عربستان سعودی کاسته شود.^{۱۵}

اغلب گروههای لیبرال و اصلاح طلب عربستان سعودی، به دنبال افزایش سطح مشارکت مردم در تصمیم گیریها و نظارت بر عملکرد نظام از طریق پارلمان و شوراهای محلی هستند. پیروان مذاهب تشیع و مالکی نیز خواستار تعدیل نقش مذهب وهابیت در حیات اجتماعی می باشند. آنان معتقدند، دولت از مذهب وهابیت که فقط در منطقه نجد پیروان

بسیاری دارد و در منطقه شرقی و حجاز در اقلیت است، استفاده سیاسی می کند و به همین دلیل رابطه میان شیعیان و مالکیها با دولت تا زمانی که آل سعود به وهابیت بیشتر بها دهد، سرد و نا مطلوب باقی خواهد ماند.^{۱۶} فشارهای خارجی و داخلی بر نظام عربستان سعودی باعث شد تا ملک عبدالله، در زمان ولیعهدی، در کنار تلاشهایش برای بهبود چهره بین المللی این کشور و برگزاری کنفرانسهای «گفتگوی ملی» میان اندیشمندان شیعه و اهل سنت عربستان و همچنین گروههای سیاسی، برای نخستین بار از تأسیس دو سازمان مرتبط با حقوق بشر، افزایش اختیارات مجلس مشورتی و اجرای انتخابات شورای شهر خبر دهد. وزارت فرهنگ و اطلاع رسانی عربستان سعودی نیز موافقت خود را با ایجاد انجمن روزنامه نگاران عربستان به منظور آزادی هر چه بیشتر روزنامه های چاپ این کشور اعلام کرد.^{۱۷}

یکی از مهم ترین وعده های ولیعهد وقت عربستان؛ یعنی تأسیس سازمانی غیردولتی در ارتباط با حقوق بشر، بالاخره در ژوئیه سال ۲۰۰۴ محقق شد. این سازمان که متشکل از چهل و یک عضو زن و مرد است، موظف به دفاع از حقوق شهروندان سعودی و نظارت بر وضعیت زنان این کشور در قبال خشونت مردان و اعضای خانواده هایشان می باشد. این سازمان با تمامی سازمانهای بین المللی حقوق بشر همکاری می کند و گزارشهای فصلی از روند پیشرفت حقوق بشر در عربستان منتشر می نماید.^{۱۸} در سپتامبر ۲۰۰۵ نیز، دولت به تأسیس شورای دولتی حقوق بشر مبادرت ورزید تا در کنار سازمان غیر دولتی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر مجلس مشورتی، سومین نهاد مرتبط با این امر باشد. همچنین، ترکی بن خالد السدیری رئیس این شورا که اعلام شد از این پس در کابینه عربستان همچون سایر وزرا حضور خواهد داشت، در گفتگو با روزنامه عکاظ، تصریح کرد که این شورا به طور مستقیم تحت نظر نخست وزیر فعالیت خواهد کرد و وظیفه اصلی آن اجرای تصمیمهای دولت در زمینه حقوق بشر خواهد بود. وی با اشاره به اینکه به زودی شعبه های این شورا در سراسر کشور افتتاح خواهد شد. هرگونه فشار خارجی را در تأسیس این شورا رد کرد.^{۱۹} اما نباید فراموش کرد که اندکی قبل از تأسیس این شورا، دولت آمریکا، عربستان سعودی را در رأس فهرست کشورهای

ناتوان در مبارزه با برده داری مدرن، کودک آزاری و نقض قوانین کاری متهم کرد و وزارت کشور ایالات متحده به صراحت اعلام نمود که اگر عربستان این گونه معضلات را در سریع ترین زمان حل نکند با تحریم مواجه خواهد شد.^{۲۰} همچنین، کارن هیوز، معاون امور دیپلماسی و از افراد مورد اعتماد بوش، در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۵ در حالی که سرگرم دیدار از کشورهای منطقه خاورمیانه بود، قبل از ورود به جده و ملاقات با سران عربستان سعودی از وضعیت حقوق بشر در این کشور انتقاد کرد.^{۲۱} ریاست ترکی بن خالد السدیری بر شورای دولتی حقوق بشر، که یکی از شخصیت‌های بارز قبیله سدیری و از بستگان خاندان حاکم است، مؤید این نکته است که آل سعود حتی در زمانی که تحت فشار بین المللی و داخلی هست، بازهم حاضر نیست در دایره اصلی قدرت و در مراکز حساس تصمیم گیری سیاسی، مشارکت دیگر شهروندان را بپذیرد و از متخصصان فن استفاده نماید و کماکان ترجیح می دهد، افراد متعهد را که مطمئن از پیروی آنها از حاکمان بر این کشور می باشد، به کار گمارد. با این حال، مقامات سعودی به خوبی می دانند که تداوم این وضعیت به همان شکلی که تاکنون ادامه داشته است، دیگر چندان میسر نیست. هم اینک چالشهای داخلی عربستان سعودی در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس، بسیار حادثر جلوه می کند. از یک سو گروههای اصلاح طلب داخلی خواسته های متنوعی دارند، از سوی دیگر فشارهای بین المللی به خصوص از جانب ایالات متحده آمریکا، سران عربستان را وادار به اعطای امتیازات گوناگونی می کند و بالاخره اینکه، سیر دگرگونی و تغییرات جامعه عربستان به سمتی پیش می رود که دولت را ناگزیر به پذیرش اعمال تحولاتی مقتضی با زمان خود می نماید. نکته قابل توجه آن است که بعضی از خواسته های اصلاح طلبان داخلی با مطالبات واشنگتن یکسان است و دولت چاره ای جز تن دادن به این خواسته ها ندارد. می توان بعضی از این خواسته ها و مطالبات مشترک میان اصلاح طلبان داخلی عربستان سعودی و دولت آمریکا را چنین برشمرد: آزادی بیان؛ آزادی مطبوعات، برقراری حقوق کامل زنان، تساهل و تسامح مذهبی، آزادی گردهمایی و تجمع به نحوی که اپوزیسیون بتواند به طور مسالمت آمیز به طرح دیدگاههای خود بپردازد و بر تداوم اصلاحات تأکید کند، آزادی اقتصادی به شکلی که

شهروندان دیگر به دولت اتکا نمایند، و تشکیل یک قوه قضاییه مستقل که تضمین کننده اجرای قانون و عدالت باشد.

با اینکه دیدگاهها و نگرشهای اصلاح طلبان عربستانی با برخی از فشارهای واشنگتن تشابه دارد، بدیهی است که این اصلاح طلبان بیش از آنکه درصدد کسب حمایت خارجی برای تحقق خواسته های خود باشند، قایل به ایجاد تغییر و اصلاح از درون نظام سیاسی هستند. اما آنچه که در عرصه سیاسی عربستان به وقوع می پیوندد، حاکی از تناقض و سردرگمی سران این کشور در نحوه اتخاذ عملکردی مناسب در قبال گروههایی است که خواهان تغییر وضع موجود هستند. در حال حاضر گروههای افراطی و خشونت گرا در عربستان سعودی، فضای سیاسی و اجتماعی کشور را دچار اختلال و نا امنی کرده اند و به عبارتی دیگر، خواهان براندازی نظام آل سعود از طریق اقدامات چریکی و خرابکارانه هستند. از دیگر سو، گروههای اصلاح طلب با بیان خواسته های خویش در واقع جامعه عربستان را به سمتی هدایت می کنند که از حالت تک صدایی و پیروی بی قید و شرط از آل سعود به تضارب آرا و افکار و مشارکت فعال در سرنوشت خویش سوق می دهد. دولت عربستان سعودی که در طول تاریخ هشتاد و چهار ساله خود هرگز با چنین وضعیتی مواجه نشده، برای مدیریت وضعیت نسبتاً بحرانی کشور تاکنون توفیق چندانی نداشته است. برای نمونه، می توان به نحوه تعامل ریاض یا گروههای خشونت گرا و همچنین شخصیتهای اصلاح طلب اشاره کرد. زمانی که اقدامات خرابکارانه طرفداران گروه القاعده در عربستان سعودی رو به افزایش نهاد، ولیعهد عربستان با اعلام عفو عمومی در یک دوره زمانی مشخص از کسانی که با القاعده همکاری می کردند، خواست تا سلاحهای خود را زمین بگذارند و خود را معرفی کنند و در مقابل، آزادانه در عربستان سعودی زندگی کنند. این عفو چندان مورد استقبال مخالفان آل سعود قرار نگرفت و تنها تعداد معدودی خود را معرفی کردند، و اما درگیری میان نیروهای امنیتی عربستان و عوامل القاعده بیشتر شد.

این برخورد مسالمت آمیز دولت عربستان با گروههای خشونت طلب، هرگز در مورد اصلاح طلبان صادق نبوده است و دولت همواره با تندی و تحکم فعالیت اصلاح طلبان را

محدود کرده است. در ماه مارس ۲۰۰۴ سه اصلاح طلب سعودی که خواستار باز شدن فضای سیاسی کشور و مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری بودند، دستگیر و به زندانهای طولانی مدتی محکوم شدند. این مجازات سنگین و دور از انتظار، واکنشهای مختلفی را برانگیخت و حتی در گزارش سالانه توسعه انسانی در جهان عرب نیز منعکس شد و از آن به عنوان اقدامی از سوی دولت عربستان که به طور حتم آثار اجتماعی و اقتصادی بسیاری در پی خواهد داشت، یاد شد.^{۲۲}

نگاهی به تحولات عربستان و سیاست «هویج و چماق» این کشور در برابر گروههای داخلی، حاکی از سردرگمی حاکم بر مراکز تصمیم‌گیری عربستان است؛ زمانی با سلفی‌ها و مراکز مؤسسه‌های مالی وابسته به آنها برخورد و در مقابل، باب گفتگو و تضارب آرا با اصلاح طلبان گشوده می‌شود و زمانی دیگر به شبه نظامیان القاعده فرصت داده می‌شود تا سلاحهای خود را زمین بگذارند و مورد عفو پادشاه قرار گیرند، اما از آن سو، اصلاح طلبان به زندان می‌افتند. این مسئله حاکی از مشکلات داخلی عربستان و چالشهای پیش روی این کشور است. این کشور با داشتن یکی از بالاترین میانگینهای زاد و ولد در جهان با معضلاتی جدی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و آموزشی جهت آماده‌سازی نسل آینده این کشور روبه‌رو است. دولت نمی‌تواند تأمین‌کننده اشتغال دایم برای شهروندانش باشد و از این رو است که میزان بیکاری در این کشور طی سه دهه گذشته به طور مداوم در حال افزایش بوده است. این مسئله موجب شده تا دولت عربستان برای حل مشکلات اقتصادی خود به سیاست «اقتصاد آزاد» روی آورد و به حمایت از بخش خصوصی بپردازد، ضمن آنکه برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) نیز اقداماتی اتخاذ نماید که هم گوشه‌ای از مشکلات داخلی را برطرف کند و هم احتمال قبول عضویت این کشور میسر گردد.^{۲۳} بدین منظور، تاکنون برخی از نهادهای دولتی نظیر پست و مخابرات در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته است و سازمان ملی بیمه و هواپیمایی عربستان سعودی نیز در آستانه واگذاری به بخش خصوصی است. همچنین ۹ ژوئن ۲۰۰۳ قانون «کپی رایت» به تصویب دولت این کشور رسید تا موانع پیوستن به سازمان تجارت جهانی کمتر شود. در ژوئیه ۲۰۰۳ نیز بازار بورس

عربستان سعودی فعالیت خویش را با اعلام این نکته که حتی اتباع دیگر کشورها نیز مجاز به خرید سهام هستند، آغاز کرد.^{۲۴} تغییر و تحول در نظام آموزشی نیز اقدام دیگری است که دولت عربستان سعودی در اثر فشارهای ایالات متحده و همچنین مطالبات گروههای داخلی، در حال انجام آن است. هم اکنون دو مرکز جده و ریاض در حال تدوین سرفصلهای جدید درسها هستند. ضمن آنکه نظام تربیت معلم در دانشگاهها نیز در حال دگرگونی است. این مسئله تنها به سطح مدارس و دانشگاهها ختم نشده است، بلکه به مدارس و حوزه های دینی نیز کشیده شده به طوری که ۱۵۰۰ طلبه برای طی دوره های جدید آموزشی، تحت آموزش قرار گرفته اند. این دوره های جدید از سوی وزارت امور اسلامی برنامه ریزی شده است و مدت سه سال به طول می انجامد و هدف آن، کاستن از هرگونه تعلیمات افراطی و خشن از سوی روحانیون و وعاظ اعلام شده است. از دیگر اقدامات دولت عربستان، تشکیل اتحادیه دانش آموزی در مدارس است تا از این طریق دانش آموزان آماده مسئولیت پذیری و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی در آینده شوند.^{۲۵} تأسیس اتحادیه روزنامه نگاران، اقدام دیگر دولت عربستان بود که با استقبال مطبوعات این کشور مواجه شد. در این راستا مجلس مشورتی عربستان هم اعلام کرد که از دولت خواسته است تا اتحادیه ها و انجمنهای بازرگانی و تخصصی و دیگر نیز تأسیس شود.^{۲۶} در آغاز سومین دوره مجلس مشورتی عربستان سعودی، ملک فهد، پادشاه فقید این کشور، خواستار گشایش فضای سیاسی و اجتماعی کشور برای بانوان شد. اندک زمانی سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که وزارت خانه متبوعش قصد دارد، تعدادی از زنان تحصیل کرده و آشنا به مسایل روابط بین الملل را به عنوان دیپلمات به کار گمارد، هم زمان با این رویداد و برای نخستین بار یک زن عربستانی به نام دکتر مهارار کوبی به سمت رییس دانشگاه جده منصوب شد.^{۲۷}

اقدامات فوق با استقبال گروههای اصلاح طلب که خواهان افزایش مشارکت مردمی در دولت تقویت بنیانهای دموکراسی و احترام به قانون، استقلال قوه قضاییه، مبارزه با فساد دولتی و بسط آزادیهای عمومی و حقوق زنان هستند، روبه رو شد. در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳، امیر

بلقان بن عبدالعزيز در ملاقات با چند تن از فعالان حقوق بشر در عربستان سعودی اعلام کرد که تا سال ۲۰۰۵ انتخابات شورای شهر در این کشور برگزار خواهد شد و سپس در سال ۲۰۰۶ انتخاباتی ملی برای ۳۰ درصد از کرسیهای مجلس مشورتی عربستان که هم اینک اعضای آن از سوی پادشاه تعیین می شوند، به اجرا در خواهد آمد. در این دیدار فعالان حقوق بشر نیز از امیر سلطان خواستند که دولت اقداماتی در جهت مبارزه با فساد، بیکاری و تأمین حق آزادی بیان انجام دهد.^{۲۸} این انتخابات زودتر از زمانی که امیر سلطان پیش بینی کرده بود، برگزار شد. در ۴ اگوست ۲۰۰۴ دولت اعلام کرد که از ماه نوامبر انتخابات شورای شهر را به صورت تدریجی در سراسر کشور برگزار خواهد کرد.^{۲۹} بر این اساس، مقرر شد که انتخابات شورای شهر در پایتخت عربستان (ریاض) پس از ماه رمضان، در مناطق شرقی و جنوبی پس از پایان مراسم حج و بالاخره در دیگر نقاط کشور از ماه فوریه ۲۰۰۵ به بعد انجام گردد. کمیته انتخاباتی که به منظور برگزاری این انتخابات تشکیل شده بود نیز شرایط انتخاب کنندگان و کاندیداها را به این ترتیب معین کرد: انتخاب کنندگان افرادی زیر ۲۱ سال که قبل از برگزاری انتخابات برای رأی دادن ثبت نام کرده باشند، نظامی نباشند و در شهری که رأی می دهند اقامت داشته باشند و برای اثبات اقامت خویش در آن شهر، شناسنامه و یا سند مالکیت، اجاره نامه، گواهی اشتغال و قبض برق یا تلفن ارائه نمایند؛ کاندیداها می بایست ابتدا در فهرست رأی دهندگان ثبت نام کنند، دست کم ۲۵ سال داشته و سعودی الاصل و یا دارای ملیت سعودی طی ده سال گذشته باشند.^{۳۰} یک ماه قبل از آغاز انتخابات و همان گونه که ناظران و کارشناسان مسایل خلیج فارس حدس می زدند، از سوی کمیته برگزار کننده انتخابات اعلام شد که زنان حق رأی در این انتخابات ندارند. این کمیته دلیل عدم اعطای حق رأی به زنان را کمبود وقت برای آماده سازی شرایط حضور و رأی دادن زنان عنوان کرد. این کمیته در نظر داشت تا صندوقهای رأی ویژه ای با حضور ناظران زن برای مشارکت و رأی دادن زنان مستقر نماید. ضمن آنکه بسیاری از زنان عربستانی شناسنامه ندارند و آماده کردن این شناسنامه ها طی مدت زمان کوتاه از سوی وزارت کشور، مقدور نبود.^{۳۱}

آنچه که بیش از پیش موجب حیرت کارشناسان و ناظران انتخابات عربستان شد،

پیروزی قاطعانه محافظه کاران اسلام گرا در این انتخابات بود.^{۳۲} محافظه کاران نه تنها در استانها و مناطق تحت نفوذ خود نظیر منطقه القصیم به پیروزی رسیدند، بلکه در شهرهای آزادتر و بازتری همچون جده نیز نتایج انتخابات را از آن خود ساختند.^{۳۳} در این شهر که پایتخت بازرگانی عربستان سعودی محسوب می شود، هر هفت کاندیدای برنده انتخابات، در مجموعه به «فهرست طلایی» بودند. فهرست طلایی شامل اسامی کاندیداهایی می شد که از سوی روحانیون محافظه کار عربستان مورد حمایت قرار گرفته بودند. محافظه کاران برای پیروزی این فهرست نه تنها از سازمان یافتگی مطلوبی برخوردار بودند و از امکانات مساجد و اماکن مذهبی و حمایت خطبا و وعاظ استفاده می کردند، بلکه از فناوری مدرن نیز بهره برداری می کردند. راه اندازی پایگاه اینترنتی و همچنین ارسال پیام کوتاه (SMS) که حاوی شعارهای مذهبی به همراه نام هفت کاندیدای مورد نظر «فهرست طلایی» بود، از جمله راهکارهای محافظه کاران برای پیروزی در میان پانصد کاندیدای شهر جده بود.^{۳۴} با توجه به اینکه در شورای شهر عربستان سعودی نیمی از اعضا توسط مردم انتخاب و بقیه آنها از سوی دولت منصوب می شوند، اصلاح طلبان و شخصیت‌های مستقلی که نتوانستند در انتخابات به پیروزی برسند، امیدوارند که از سوی دولت در شوراهای شهر منصوب شوند تا در میان اعضای این شورا موازنه ای به وجود آید و تعادل برقرار شود.^{۳۵}

درگذشت ملک فهد و جانشینی ملک عبدالله

ملک فهد، پادشاه ۸۴ ساله عربستان سعودی، که از سال ۱۹۹۵ در اثر سکته مغزی توانی برای اداره امور کشور نداشت، در اول آگوست ۲۰۰۵، پس از بیست و دو سال حکومت، درگذشت. با مرگ فهد ولیعهد وی، امیر عبدالله به پادشاهی رسید و امیر سلطان بن عبدالعزيز وزیر دفاع، به ولیعهدی منصوب شد. ملک عبدالله که برادر ناتنی ملک فهد است، از طرف مادرش (فهد بنت عاصی الشوریم) به قبیله رشید منتسب می شود. وی تحصیلات علوم دینی خود را در ریاض به پایان رساند و نخستین سمت اجراییش، شهرداری مکه بود. در سال ۱۹۶۳ او وزیر دفاع و فرمانده گارد ملی شد که از وفادارترین قبایل عربستان سعودی تشکیل

شده است. عبدالله در سال ۱۹۸۲ به عنوان ولیعهد منصوب شد و همچنان در سمت فرماندهی گارد ملی باقی ماند. پس از سکنه مغزی ملک فهد در سال ۱۹۹۵، عملاً مسئولیت امور کشور را بر عهده داشت و همواره به دلیل صداقت و دور بودن از فساد مورد احترام مردم عربستان بوده است. ملک عبدالله در دوران ولایت عهدی خود بر حفظ توازن میان سنتهای جامعه عربستان سعودی و نیاز به اصلاحات و مدرنیزاسیون تأکید فراوانی داشت و به همین دلیل در امور داخلی و مسایل بین المللی فعالانه مشارکت می کرد.^{۳۶}

ملک عبدالله در نخستین روز از پادشاهی خویش طی حکمی اعلام کرد که تمام وزرای دولت در سمتهای خویش باقی خواهند ماند. هم اکنون برادران ناتنی ملک عبدالله موسوم به «هفت سدیری» بسیاری از پستهای کلیدی و امنیتی را در اختیار دارند، اما از سوی اصلاح طلبان به دلیل اینکه در سرکوب گروههای تروریستی و سرعت بخشیدن به اصلاحات سیاسی، کند عمل می کنند، مورد انتقاد قرار گرفته اند.^{۳۷} عبدالله در نخستین روزهای پادشاهی خود برای تحکیم قدرت خویش، اقدامات مختلفی را اتخاذ کرد. وی در نخستین گام و برای حفظ اتحاد و یک پارچگی میان کشورهای عربی، در ۷ آگوست ۲۰۰۵ در جلسه هیأت وزیران عربستان سعودی، متهمان اهل لیبی را که مدتی قبل قصد ترور او را داشتند، مورد عفو قرار داد. هیأت وزیران عربستان با انتشار بیانیه ای هدف از عفو این افراد را کنار گذاشتن اختلافات و حفظ وحدت کشورهای عربی عنوان کرد و اظهار امیدواری نمود که این اقدام پادشاه عربستان سعودی آثار مثبتی بر نشست آتی اجلاس سران عرب بگذارد.^{۳۸} افزایش بی سابقه بهای نفت طی یک سال اخیر باعث شد تا عربستان سعودی بزرگ ترین صادر کننده نفت جهان، از رشد اقتصادی خوبی برخوردار شود و برای نخستین بار طی سالهای گذشته مازاد بودجه ای معادل ۲۸ میلیارد دلار در اختیار داشته باشد. ملک عبدالله با توجه به این مسئله و در راستای افزایش محبوبیت خویش به عنوان پادشاه جدید در میان مردم و به ویژه، با توجه به اقتصاد متوسط و ضعیف جامعه، دستور داد تا به حقوق کارمندان دولتی ۱۵ درصد اضافه شود و همچنین مبلغ ۲/۱ میلیارد دلار برای طرحهای خانه سازی ویژه اقشار کم درآمد اختصاص یابد. در این دستور وزیران و مدیران دولتی از افزایش حقوق مستثنی شدند.^{۳۹} ملک

عبدالله همچنین از مردم این کشور خواست تا از بوسیدن دست وی و یا هریک از اعضای خاندان سلطنتی خودداری کنند. وی طی بیانیه‌ای این امر را مغایر با ارزشهای عربستان دانست و اظهار داشت که «انسان تنها باید در مقابل خدای یگانه سر تعظیم فرود آورد.»^{۴۰} ملک عبدالله که در دومین کنفرانس «گفتگوی ملی» از زنان نیز دعوت به عمل آورده و وعده گشایش فضای مشارکت بانوان در مسایل متعدد کشور را داده بود، تقریباً یک ماه پس از آغاز زمامداری دستور داد تا زنان بازرگان در انتخاب اتاق محلی صنعت و تجارت شرکت کنند. بدین ترتیب، زنان عربستانی مقیم جده قادر خواهند بود که در انتخابات ماه نوامبر اتاق بازرگانی جده که در آن ۱۸ عضو هیأت مدیره مشخص می‌شوند، مشارکت نمایند. این اتاق دارای چهل هزار عضو است، ولی تعداد زنان کمتر از ده درصد از این مجموع است.^{۴۱}

مهم‌ترین اقدام ملک عبدالله در این ایام، دستور تشکیل شورای حمایت از رقابت بازرگانی است. این دستور تمایل وی را به مقابله با رانت خواری اقتصادی اعضای خانواده سلطنتی و یا وابستگان به آنها، نشان می‌دهد. وی در این راستا ابراز امیدواری کرد که، اشخاصی که به هر نحو دارای ارتباط با خانواده سلطنتی هستند، کمتر در امور تجاری دخالت کنند و در صورتی که خواهان فعالیت در این عرصه هستند، شرایط رقابت میان آنان و دیگر شهروندان سعودی برابر باشد.^{۴۲} بی‌تردید برای پادشاه جدید عربستان هیچ بحرانی دشوارتر از رویارویی با گروههای تروریستی که طی دو سال اخیر این کشور را به آشوب کشیده‌اند، نیست. وی که خود را ملزم به تداوم اجرای اصلاحات در عربستان می‌داند و درصدد گشایش هر چه بیشتر فضای سیاسی و اجتماعی است، ناگزیر است که برای مبارزه با گروههای تروریستی به وضعیت امنیتی و فوق‌العاده در جامعه عربستان تن دهد که همین مسئله موجب توقف و یا حداقل کندی روند اصلاحات در عربستان سعودی می‌شود. ملک عبدالله برای عبور از این شرایط از نیمه سال ۲۰۰۴ و پس از پایان مهلت عفو پادشاهی در مورد تمامی افراد وابسته به گروههای تروریستی، دستور برخورد قاطعانه نیروهای امنیتی را با این گروهها صادر کرد. به رغم آنکه تعقیب و گریز نیروهای امنیتی عربستان و گروههای تروریستی طی دو سال اخیر به یکی از خبرهای روزمره بزرگ‌ترین کشور منطقه خلیج فارس تبدیل شده است، بدون

شک کشته شدن «صالح العوفی» رهبر القاعده در عربستان در مخفیگاهی در نزدیکی مسجد اصلی شهر مدینه، مهم ترین رویدادی بود که درست چند روز پس از مرگ ملک فهد و آغاز پادشاهی ملک عبدالله، در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵، به وقوع پیوست و از سوی رسانه های گروهی عربستان بازتاب بسیار وسیعی داشت.^{۴۳} این رسانه ها که به دفعات عکس و نام افراد تحت تعقیب و وابسته به القاعده را منتشر می کردند، از خانواده های این اشخاص می خواستند که با تحویل آنها به مقامات امنیتی کشور مانع از خون ریزی و کشتار به ویژه در شهرهای مقدسی همچون مدینه و مکه شوند، اما واقعیت آن است که فعالیت شبکه های تروریستی در عربستان سعودی نه تنها به سراسر شهرهای بزرگ این کشور تسری یافته است، بلکه به دلیل مرزهای طولانی مشترک میان عربستان و عراق بسیاری از اعضای وابسته به القاعده از این موقعیت استفاده کرده و پس از ورود به خاک عربستان و اجرای عملیات خویش به عراق باز می گردند.^{۴۴}

در ۶ سپتامبر ۲۰۰۵ و در آستانه سالگرد حوادث یازدهم سپتامبر، حوادث امنیتی مختلفی در عربستان رخ داد که مهم ترین آن کشته شدن سه تروریست و دو پلیس در شهر الدمام بود. در این حادثه، دو تن از سه مقتول در فهرست ۳۶ نفره افراد تحت تعقیب قرار داشتند. به دنبال این سلسله حوادث، ایالات متحده کنسولگریهای خود را در شهرهای جده و ظهران از بیم حملات تروریستی بست.^{۴۵} افزایش درگیریها میان شبه نظامیان القاعده و نیروهای امنیتی عربستان در روزهای آخر ماه آگوست و اوایل ماه سپتامبر، باعث شد سخنگوی وزارت کشور با ارایه آماری از روند مبارزه نیروهای امنیتی عربستان و گروههای تروریستی طی دو سال اخیر اعلام نماید که حملات تروریستی منجر به قتل ۹۱ تن از اتباع خارجی و غیر نظامیان عربستانی شده است. ولی همچنین با بیان اینکه چهار تن از نیروهای القاعده در شهر جده دستگیر شده اند، اظهار داشت: «بی ثباتی و عدم استقرار مرزهای عراق و عربستان نقش تأثیر گذاری در افزایش نا امنیهای اخیر عربستان سعودی داشته است».^{۴۶}

نتیجه گیری

مردم عربستان سعودی که برای سالیان طولانی از کمترین حقوق شهروندی برخوردار بوده اند، به تدریج در اثر افزایش سطح تحصیلات، مسافرت خارج و ارتباط با دیگر ملت‌ها، آگاهی بیشتری نسبت به حقوق و تکالیف متقابل ملت و دولت یافته اند و چند سالی است که با اصرار و شدت بیشتری خواستار ایفای نقش در فرآیند تصمیم گیری سیاسی هستند. همان گونه که در این مقاله آمد، مجموعه عواملی نظیر فعالیت گروه‌های اصلاح طلب، با داشتن مطالباتی همچون توجه به حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق زنان و مبارزه با فساد اداری و مالی، تحولات منطقه ای مثل برگزاری انتخابات در قطر و بحرین و اعطای حق مشارکت سیاسی به زنان کویتی و فشارهای خارجی مانند تأکید دولت ایالات متحده بر ایجاد تغییرات عمیق در شیوه حکومت داری در نظام سیاسی عربستان سعودی و توجه رسانه های بین المللی به نظام حکومتی این کشور در حرکت خاندان حاکم بر عربستان به سمت ایجاد فضای باز سیاسی تأثیر گذار بوده است. اقدام دولت عربستان سعودی در برگزاری انتخابات شورای شهر، اگرچه توأم با کنترل شدید، عدم حضور زنان و تنها انتخاب نیمی از اعضای این شوراها توسط شهروندان و انتصاب نیمی دیگر از سوی دولت بود، اما در هر حال نشانگر حرکت بی بازگشت نظام سیاسی عربستان به سمت دموکراسی و ارتقای نقش ملت در فرآیند تصمیم گیری سیاسی است. مشارکت سیاسی مردم در عربستان سعودی در حال حاضر نخستین گامهای خود را بر می دارد، اما حکایت از دگرگونیها و تحولات قریب الوقوع در ساختار نظام سیاسی این کشور دارد.

روی کار آمدن ملک عبدالله برای اصلاح طلبان، نوید بخش تداوم جدی تر اصلاحات در عربستان سعودی است. اما نباید از یاد برد که ملک عبدالله ناگزیر به همکاری با برادران ناتنی خود است که با روحانیون محافظه کار و سلفی ها ارتباط نزدیک دارند و اغلب خواهان کندتر شدن روند اصلاحات و توجه بیشتر به سنتهای موجود و قدیمی جامعه عربستان سعودی هستند؛ ضمن آنکه فعالیت گسترده گروههای تروریستی در شهرهای مختلف عربستان، این کشور را به بحرانی ترین و نا امن ترین وضعیت خود پس از تشکیل دولت آل سعود دچار کرده

است. با این حال، ملک عبدالله در مدت کوتاه زمامداری خود به حقوق طبقه متوسط جامعه عربستان سعودی که بیشترین تقاضاها را برای مشارکت سیاسی دارند و همچنین به حقوق زنان، توجه نشان داده و تلاش کرده است تا نسبت به پادشاهان پیشین عربستان به مردم نزدیک تر باشد. این رویکرد متفاوت ملک عبدالله نشانگر آن است که وی با شناخت کافی از شرایط فعلی جامعه عربستان، افزایش جمعیت جوانان، رشد خواسته های متعدد سیاسی و اجتماعی و تحولات منطقه ای و بین المللی، در صدد است تا با اجرای اصلاحات، هم باب مشارکت سیاسی مردم عربستان را بگشاید و هم اینکه نظام کنونی حاکم بر عربستان سعودی را استمرار بخشد. رشد و فعالیت گروه های تروریستی نظیر القاعده در خاک عربستان سعودی که خواستار سرنگونی آل سعود و خروج تمامی بیگانگان از خاک این کشور است، تأیید کننده این نکته است که اگر سران عربستان فضا را برای مشارکت سیاسی مردم فراهم نیاورند، عربستانی ها جهت تحقق خواسته های خود به خشونت متوسل خواهند شد و به طور حتم هزینه های ممانعت و کنترل چنین اتفاقی بسیار بالاتر از باز کردن فضای سیاسی کشور و اجرای اصلاحات تدریجی و پیوسته می باشد.

پاورقیها:

۱. محمد عابد الجابری، العقل السياسي العربی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۰، ص ۱۰۱.
۲. عبدالله العروی، مفهوم الدولة، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۸، ص ۹۰.
۳. نمونه بسیار قابل توجه در این زمینه گزینش «غازی الیاور» به سمت رئیس جمهوری موقت عراق، پس از سقوط صدام حسین بود. وی بیش از آنکه در عرصه سیاست داخلی و خارجی کارآزموده باشد، به دلیل ریاست بر قبیله «الظفیر» که بزرگ ترین قبیله عراق محسوب می شود، به این سمت برگزیده شد. این قبیله پس از «العتیبی» بزرگ ترین قبیله در منطقه است که امتداد آن از عربستان سعودی تا کویت، عراق و سوریه می باشد. گزینش «الیاور» به ریاست جمهوری عراق با استقبال رؤسای این قبیله در دیگر کشورهای منطقه همراه بود.
4. Eleanr A. Doumata, "Gender , Monarchy and National Identity in Saudi Arabia," *British Journal of Middle East Studies*, Vol. 19, No. 1, 1992, pp. 31-47.
۵. براساس آمارهای رسمی در سال ۱۹۶۲، بیست و چهار درصد از مردم عربستان سعودی شهر نشین بوده اند. این نسبت در سال ۱۹۷۴ به ۴۶ درصد و در سال ۱۹۸۴ به بیش از ۷۰ درصد رسیده است. در این زمینه نگاه کنید به: محمد ابراهیم ارباب، «تطور النظام الحضری السعودی»، مجلة دراسات الخليج (فارسی) و الجزيرة العربیة، عدد ۹۷۴، أبريل ۲۰۰۰.
۶. القدس العربی، ۲۹/۳/۲۰۰۴.
7. <http://www.aljazeera.net/in-depth/requirements-enhancement-gulf-countries/2004/2/2.htm>
۸. اگرچه طبق آمار رسمی دولت عربستان سعودی میزان بیکاری در این کشور ۱۰ درصد است، در آوریل ۲۰۰۴ وزارت کار جدیدی در این کشور تأسیس شد که بنا به گفته وزیر آن (غازی القصیبی) مهم ترین برنامه این وزارت خانه از بین بردن مشکل بیکاری در عربستان سعودی است. نگاه کنید به: www.okaz.com.sa/okazarchive/Data/2003/9/4/Art-2365.htm
۹. اسعد عبدالرحمن، «الاستبداد و حکم التغلب فی انظمة الحكم العربیة المعاصرة»، الجزيرة نت، قضايا و تحليلات، ۱۰/۱۱/۲۰۰۴.
10. <http://www.aljazeera.net/in-depth/Despotic/2004/7/7-14-10.htm>
۱۱. سعد الدین ابراهیم، «المتفقون العرب و التخريب الحالی لمصطلح المجتمع المدني»، الحياة، ۲۰۰۳/۳/۳۱.
12. <http://www.alwatan.com.sa/daily/2004-04-19,economy/economy03.htm>
13. <http://www.alshargalawsat.com/default.asp?page=leader&article=206825&issue=9143>
۱۴. در این زمینه سخنان امیر نایف بن عبدالعزيز، وزیر کشور عربستان که با سلفی ها ارتباط نزدیکی دارد، قابل توجه است. وی در گفتگو با روزنامه الحياة تصریح کرد: «رفع ممنوعیت رسمی رانندگی زنان به جامعه عربستان [و نه دولت!!] باز می گردد»، الحياة، ۳۰/۸/۲۰۰۳.
۱۵. عادل خضیر، «الحوار الوطنی السعودی مفتوح ابوابه لتعدوية الآراء»، الحياة، ۳۱/۱۲/۲۰۰۳.
16. <http://www.alzaman.com/alzaman/articles/2003/03/03>.

۱۷. التفاعلات الخليجية (فارسية)، «التقرير الاستراتيجي ۲۰۰۳-۲۰۰۴»، الشارقة: دار الخليج (فارسي) للصحافة والطباعة والنشر، ص ۳۵.

18. http://www.saudiembassy.net/2004News/Press/Detail.asp?C_Index=193

۱۹. عكاظ، ۱۳/۱۰/۲۰۰۵.

20. http://www.isna.ir/Main/News_Views.asp=News-536412 06-05-2005

21. http://www.isna.ir/Main/News_Views.aspx?ID=News-589794

22. <http://www.state.gov/s/c/rls/rm/46720.htm>.

23. Ibid

24. http://www.Saudiembassy.net/2004News/Press/Press_Detail.asp?CIndex=193

25. Ibid.

26. Ibid.

27. http://www.algabas.com.kw/Newsdetails.php?cat=2&id=86239&br_date=2004-10-06.

28. <http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/middle-east/3200360.stm>

29. <http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/middle-east/3537190.stm>

30. <http://www.elections.gov.sa/Arabic/Default.aspx?tabid=45>

31. <http://english.aljazeera.net/women-excluded-from-saudi-elections>, 2004, oct, 13.

32. http://www.saudielection.com/ar/election-center-results.php?tyne=s&id=13&election_tyre_id=29

۳۳. انتخابات شورای شهر در شهرها و مناطق زیر برپا شد: ریاض، مکه، مدینه، حائل، تبوک، القصیم، الباحه، منطقه شرقی، مرزهای شمالی، عسیر، جازان، نجران و جوف.

34. <http://msnbc.msn.com/id/7609606/April,23,2005>.

35. http://www.washingtonpost.com/IslamicActivities_sweep_saudi_council_Elections/A12398-2005_Apr_23.htm

36. <http://www.bbc.co.uk/1/hi/world/middle-east/3770033.stm>

37. <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?id=News=562910>

۳۸. الشرق الاوسط، ۸/۹/۲۰۰۵.

39. <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?id=NewsViews.aspx?ID=News-572955>

40. <http://www.isna.ir/Main/NewsViews.aspx?Id=News-581949>

41. <http://www.isna.ir/Main/NewsViews.aspx?Id=News-583927>

42. <http://us.moheet.com/asp/country-p6html>

43. <http://www.aljazeera.net/in-depth/Despotic/2005-8-18>

44. <http://us.moheet.com/asp/country-p6.html>

45. <http://www.isna.ir/Main/NewsViews.aspx?Id=News-579332>

46. <http://www.isna.ir/Main/NewsViews.aspx?Id=News-576328>

